

شنبه 30 دی 1396 - 2 جمادی الاول 1439 - 20 ژانویه 2018

انتشار خبر بازگشت حضرت امام به ایران (1357 ش)



انتشار خبر بازگشت حضرت امام به ایران (1357 ش)

انتشار خبر بازگشت حضرت امام خمینی به میهن اسلامی، شادی و شغف فراوانی در میان مردم ایران به وجود آورد. گفتگو درباره مراجعت امام و کیفیت استقبال از ایشان، در میان مردم و اجتماعات کوچک و بزرگ، شور و هیجان غیرقابل وصفی ایجاد کرد. از طرف دیگر، اعلام تصمیم قطعی امام برای بازگشت به ایران، عوامل رژیم شاه را دچار بحران و اضطراب شدیدی کرد. آنها با تلاش بی‌وقفه سعی داشتند راهی برای نجات خود بیابند و بسیاری ناچار به استعفا و فرار از ایران شدند. بعضی از نظامیان وابسته رژیم نیز با حمله به مردم بی‌دفاع، آخرین تلاش‌های خود را برای حفظ نظام طاغوت به کار بستند. اما این اقدامات نه تنها نتوانست خللی در اراده آهنین مردم ایران وارد کند، بلکه

آنها را در ادامه راهشان تا حصول پیروزی نهایی، مصمم‌تر کرد. کشف اشعه ایکس توسط "ویللم رونتگن" دانشمند معروف آلمانی (1896م)

اشعه ایکس اشعه‌ای از نوع نور ولی نامرئی با طول موج بسیار کوتاه است که در بیستم ژانویه 1896م توسط ویللم رونتگن، فیزیک‌دان آلمانی کشف شد و چون ماهیت آن نامعلوم بود، آن را اشعه ایکس به نام حرف X که در ریاضیات، علامت مقدار مجهول است خواندند. هم‌چنین این اشعه را به نام کاشف آن، رونتگن نیز می‌نامند. این اشعه مانند نور معمولی، صفحه حساس عکاسی را متأثر می‌کند و هم‌چنین گازها را تجزیه کرده، هادی و رسانای برق می‌سازد. اگرچه اشعه ایکس ممکن است به بافت‌های زنده آسیب برساند و ایجاد سوختگی‌های شدید و خطرناک کند، با این حال ارزش فوق‌العاده‌ای در معالجات رادیوتراپی، تشخیص امراض از طریق رؤیت ساده رادیوسکوپی و عکس‌برداری داخلی، رادیوگرافی، دارد. علاوه بر این، در مورد جراحی، برای تعیین محل شکستگی استخوان، پرتوهای ایکس، وسیله بسیار سودمندی است. فیزیک‌دان‌ها، پرتوهای ایکس را برای تجزیه ماهیت ساختمانی بلورها به کار می‌گیرند. هم‌چنین از این پرتوها، در صنعت به منظور بررسی و تحقیق وضع ساختمانی قسمت‌های از فلز که باید زیر شرایط سختی کار کند استفاده می‌شود. مرگ "جان راسکین" نویسنده و منتقد معروف انگلیسی (1900م)

جان راسکین، فیلسوف، منتقد هنری و نویسنده مشهور انگلیسی در هشتم فوریه 1819م در خانواده‌ای ثروتمند و متدین در لندن به دنیا آمد. وی در کودکی تربیتی جدی و استوار یافت و شب و روز از مراقبت شدید پدر و مادر برخوردار بود. راسکین از کودکی با آثار کهن، مناظر طبیعی و کلیساها آشنایی یافت و با تشویق پدر، به جانب موسیقی و نقاشی و مطالعه شعر کشیده شد. وی در عین حال به سرودن شعر یا نوشتن قطعه‌های منثور ترغیب گشت و بدین ترتیب از تعلیم و تربیتی آمیخته با ادراک زیبایی بهره‌مند شد. راسکین با وجود دارا بودن تحصیلات نامنظم، مطالعات فراوانی انجام داد و با آثار نویسندگان بزرگ کشور آشنا گردید. راسکین پس از مرگ پدرش، ثروت عظیم موروثی خود را سخاوتمندانه به امور خیریه و سازمان‌های فرهنگی و موزه اختصاص داد و خود به کار نوشتن مشغول شد. راسکین در 20 سالگی اولین منظومه معروف خود را سرود که به دریافت جایزه نیز نائل آمد. وی چهار سال بعد با مطالعه در هنر و طبیعت، کتاب نقاشان جدید را نگاشت و پس از چندی، آن را در پنج جلد منتشر کرد. او در این اثر، نظر خود را درباره هنر عرضه می‌دارد و ارزش نقاشی و به طور کلی، ارزش هنر را در آن می‌داند که اندیشه‌های عالی فراوانی را به ذهن القا کند. راسکین سپس اندیشه‌های قدرت، تقلید، واقعیت و زیبایی را از هم مشخص می‌سازد، از ارتباطشان با یک‌دیگر سخن می‌گوید و هر یک از بخش‌های کتاب را به یکی از این اندیشه‌ها اختصاص می‌دهد. به عقیده راسکین، هنر از نظر شکل و قالب باید چنان باشد که قسمت‌های کوچک و بزرگ آن، یک‌دیگر را کامل کند و هماهنگی خاصی را که برای تکامل ضروری است پدید آورد. از نظر معنوی، هنر والا آن است که از طرفی به عالم بشری و از طرف دیگر به عالم الهی ارتباط یابد. از این رو، ادراک زیبایی راسکین، پیوسته با مبانی مذهبی و اخلاقی آمیخته است. با این حال این کتاب مورد حمله نقادان هنری واقع شد و نقاشان آن را به سردی پذیرفتند. راسکین در کتاب دیگرش با عنوان هفت چراغ معماری، هنر معماری را مبین عقاید مذهبی و اخلاقی و خواست‌های ملی و عادات اجتماعی یک ملت می‌داند و هفت قانونی را که هنرمند باید از آنها پیروی کند، هفت چراغ می‌نامد. راسکین پس از آن که از نویسندگی درباره هنر دست کشید، بقیه عمر را به بیان اصول عقاید خود درباره مسائل اجتماعی، تربیتی، اخلاقی و مذهبی پرداخت و اصطلاحات اساسی تعلیم و تربیت را به وسیله یک سلسله سخنرانی، نامه، مقاله و رساله عرضه کرد که در حدود سی جلد از پنجاه جلد آثار او را در بر گرفت. راسکین در کتاب تا آخرین دم، ثروت را جدا از بشر و ارزش‌های معنوی نمی‌داند. وی بر این عقیده بود که جسم بشر چون ماشین است و روح او چون موتور این ماشین که قدرتش در

همه موازنه‌های سیاسی و اقتصادی دخالت دارد. بنابراین از اقتصاد باید ادراکی روحی و اخلاقی داشت. ثروت واقعی نباید از حد احتیاج خود او بیشتر باشد و روزی به تملک دیگری درآید، زیرا این خود تجمل است و معادل جهل. راسکین هنر را نیز جزئی از تاریخ، فلسفه و دین می‌شمرد. دنیای مطلوب او دنیایی بود که در رابطه میان انسان‌ها با یک دیگر هماهنگی بیشتر وجود داشته باشد. راسکین به هر جنبشی که برای بهتر ساختن زندگی، خاصه برای بیچارگان در می‌گرفت، به چشم رغبت می‌نگریست. بسیار کسان، راسکین را نویسنده‌ای بزرگ و نثرنویسی برجسته می‌دانند هر چند عده‌ای از منتقدان به ذوق هنری او شک دارند. تمام کتاب‌های راسکین که موضوعات بسیار مختلفی را شامل می‌شوند، دارای لحن و صبغه اخلاقی هستند. جان راسکین سرانجام در بیستم ژانویه 1900م در 81 سالگی درگذشت در حالی که نفوذ فراوانی بر نویسندگان پس از خود نهاد.